

## آزادگان با زخم‌های پنهان زندگی می‌کنند

امسال بیست‌وسومین سالی است که از بازگشت آزادگان به کشور می‌گذرد.



امسال بیست‌وسومین سالی است که از بازگشت آزادگان به کشور می‌گذرد. رویدادی شیرین و خاطره‌انگیز که در بیست و ششم مرداد 1369 به وقوع پیوست و روزی است که آغوش گرم ملت پذیرای تن‌های رنجور فرزندان سرافراز خود شد، اما با گذشت حدود 23 سال آزادگان کشور هنوز از درد‌های جسمی و روحی آن دوران رنج می‌برند و به گفته بیژن کیانی که خود به مدت هشت سال در اسارت بوده و سال‌های 82 تا 84 به عنوان مدیرکل فرهنگی ستاد کل رسیدگی به امور آزادگان فعالیت کرده است آزادگان اکنون از آسیب‌های پنهان جسمی و روحی بسیاری رنج می‌برند و لازم است که موضوع سلامت و بهداشت آزادگان مورد توجه جدی مسئولان قرارگیرد.

وی بر این باور است که آسیب‌های پنهان جسمی و روحی آزادگان باید در شمار مجروحیت‌های جبهه به حساب آورده شود و در نحوه تعیین درصد جانبازی آنها تجدیدنظر اساسی صورت گیرد.

اسرای کشور از نظر آسیب‌های جسمی و روانی در چه شرایطی هستند؟

اسرای جنگی را از نظر آسیب‌هایی که دیده‌اند شاید بتوان به سه گروه تقسیم کرد، گروه اول اسرایی بودند که در صحنه جنگ مجروح و توسط دشمن دستگیر و به اسارت برده شدند، گروهی نیز اسرایی بودند که در دوران مقاومت مستقیماً شکنجه شدند و گروه سوم افرادی بودند که در دوران مقاومت به شکل غیرمستقیم تحت شکنجه مستمر قرار گرفتند. می‌توان گفت گروه‌های اول و دوم علاوه بر مجروحیت جنگی و شکنجه مستقیم در مصائب گروه سوم نیز شریک بودند و این امر شرایط آنان را دشوارتر کرده بود.

اسرایی که تحت شکنجه مستقیم قرار گرفتند چگونه شکنجه می‌شدند؟

ضرب و شتم شدید با کابل‌های برق، آویزان کردن از پا و نگه داشتن فرد در این وضع به مدت طولانی، وارد کردن شوک الکتریکی، سوزاندن کف پا و دیگر اندام فرد با اتوی برقی، قطع اعضای بدن برخی افراد به بهانه عمل جراحی، چال کردن انفرادی و گروهی افراد تا گردن در هوای گرم و در معرض تابش شدید نور خورشید، نشاندن افراد زیر نور شدید خورشید به مدت طولانی، عبور دادن افراد با پای برهنه از سطح زمین پر از شیشه شکسته از جمله مصادیق شکنجه‌های مستقیم بود. کسانی که یک یا چند نوع شکنجه‌های فوق را تجربه کردند در شرایط شکنجه‌های غیرمستقیم نیز قرار گرفتند.

وضع تغذیه اسرا در دوران اسارت چگونه بود؟

تغذیه بسیار ناسالم و وعده‌های غذایی ناکافی بود به طوری که بتدریج سیستم گوارش آزادگان را مختل می‌کرد. علاوه بر آن آبی که در اختیارشان قرار می‌گرفت نیز ناکافی و غیربهداشتی بود که بتدریج کلیه‌ها و مثانه‌ها را دچار اختلال می‌کرد. اینها جزئی از مصادیق شکنجه‌های غیرمستقیم بود.

فضای اندک اتاق‌ها تناسبی با جمعیت ساکن آنجا نداشت. در هر اتاقی از اردوگاه‌های موصل 150 تا 170 و گاهی 250 نفر را زندانی می‌کردند در حالی که اتاق‌های مذکور در شرایط عادی ظرفیت صد نفر را داشت. تراکم جمعیت، تهویه نامناسب، نبود دسترسی به سرویس بهداشتی از عصر تا صبح روز بعد و ضرورت قضای حاجت در همان اتاق‌های بدون تهویه، صدماتی جدی بر سیستم تنفس و ریه‌های آزادگان وارد کرد.

بعثی‌ها ساعت هشت صبح در اتاق‌ها را باز می‌کردند و ساعت چهار بعدازظهر افراد را در اتاق‌ها حبس می‌کردند؛ یعنی تا ساعت هشت صبح روز بعد، 16 ساعت حبس زندانیان طول می‌کشید. در طول این 16 ساعت اگر کسی نیاز به دفع مدفوع پیدا می‌کرد ناچار بود خود را کنترل کند تا وقت آزادباش فرا برسد. این شرایط شاید برای یک یا دو بار آسیبی در پی نداشته باشد ولی وقتی استمرار پیدا کند حتماً به روده‌ها و سیستم داخلی افراد آسیب جدی وارد می‌کند. این مشکل تا پایان دوره مقاومت برای آزادگان وجود داشت و همین موضوع صدمات سختی را بر آنان وارد کرده است. علاوه بر این به دلیل جمعیت زیاد هر اتاق دفع ادرار نیز با تأخیر انجام می‌شد که استمرار این وضع، دستگاه مثانه و حتی پروستات زندانی‌ها را دچار التهاب و مشکلات دیگری کرده است.

به دیگر شیوه هایی که برای آزار روحی اسرا استفاده می شد نیز اشاره می کنید؟

نصب بلندگو در هر اتاق و پخش موسیقی و برنامه های رادیویی با صدای بلند به اضافه سر و صدای ناشی از گفت وگویی عادی افراد، آلودگی صوتی شدیدی را ایجاد می کرد و سیستم عصبی آنان را با بمباران مستمر صوتی دچار اختلال جدی می کرد. همچنین عراقی ها بادستکاری نامه های آزادگان و درج اخبار دروغ از خانواده یا طراحی ادعایی جعلی از سوی آزاده در قبال خانواده اش و قرار دادن آنان در شرایط بی خبری کامل از خانواده نمونه ای از این فشارها بود.

از دیگر کارهای آنها این بود که در طول دوران مقاومت، بعضی ها هفته ای یک بار و گاهی دو بار اتاق ها را تفتیش می کردند. آزادگان مجبور بودند مدت دو ساعت را نشسته سپری کنند تا تفتیش اتاق به اتمام برسد و نوبت به تفتیش فردی برسد. در تفتیش اتاق ها همه چیز را به هم می ریختند به گونه ای که یک ساعت زمان طول می کشید تا هر کسی بتواند وسایل خود را پیدا کند. بدتر از این فکر آزاردهنده تفتیش بود که آزادگان را کلافه می کرد؛ زیرا روز مشخصی نداشت و هر روز و هر ساعت باید انتظار سوت مخصوص تفتیش را می کشیدند.

عمده بیماری هایی که ناشی از شرایط زندان های رژیم بعث بود و امروز آزادگان با آنها دست و پنجه نرم می کنند چیست؟

ورم و زخم معده، التهابات دستگاه ممانه و پروستات، ناراحتی های شدید روده، ناراحتی های شدید کلیه ها، بیماری های تنفسی، بیماری های قلب - عروقی، آرتروز و دیسک کمر و گردن، سائیدگی شدید مفاصل پا، پوسیدگی دندان ها، بیماری های لته و دهان، ضعف بینایی (پیرچشمی زودرس)، ضعف شدن حافظه و عارض شدن فراموشی و بیماری #171;پی تی اس تی (اختلال استرسی پس از ضایعه روانی) از درجه متوسط تا بالا در میان طیف قابل توجهی از آزادگان بیانگر این حقیقت تلخ است که به دلیل شکنجه های مستقیم و غیرمستقیم آزادگان عمدتاً حامل دردها و بیماری های ناشی از شرایط دوران مقاومت در زندان های صدام هستند و این بیماری ها بر جسم و روح آنان چنگ می زند و آزارشان می دهد.

یعنی پس از آزادی به شرایط جسمی و روحی آزادگان به طوری که شایسته آنها باشد و امروز شاهد تداوم این بیماری ها در آن نباشیم رسیدگی نشد؟

انتظار می رفت پس از آزادی اسرا طرح پایش سلامت آزادگان به اجرا درآید و به وضع آنان رسیدگی شود و در کمیسیون های تعیین درصد بنیاد، شرایط خاص این قشر زجر دیده و صبور مورد توجه قرار گیرد. ولی نه طرح پایش سلامت به اجرا درآمد و نه در کمیسیون ها آن طور که باید به وضع خاص آزادگان توجه شده است. در کمیسیون باید آثار تیر و ترکش و مجروحیت قابل رویت باشد تا درصد جانبازی تعیین شود، ولی آزاده ای که به طور مثال 324 هزار دقیقه در صف آمار نشسته و کمر و گردن و مفاصلش آسیب دیده یا ربه اش به دلیل تهویه نامطبوع اتاق مختل شده یا به دلیل آلودگی شدید صوتی سلسله اعصابش آسیب دیده، دندان هایش دچار پوسیدگی و خرابی کامل شده، معده و روده اش دچار اختلال شده و قلبش در معرض انواع استرس دچار نارسایی شده و قادر نیست در کمیسیون های تعیین درصد جانبازی اینها را به تیم پزشکی اثبات کند چه باید بکند؟ این مسائل نشان از آن دارد که شرایط آنها در نظر گرفته نشده و متأسفانه درباره وضع آزادگان و آسیب های جسمی و روحی آنان که صد درصد ناشی از شرایط جنگ و زندان است تعریف روشنی از سوی بنیاد شهید ارائه نشده بنابراین درصدهایی که به آزادگان تعلق گرفته تناسبی با واقعیت های جسمی و روحی آنان ندارد و همچنان ناچارند با زخم های پنهان خود بسازند. امیدوارم متولیان سازمان بنیاد شهید و امور ایثارگران در بیست و سومین سالگرد بازگشت آزادگان، پرونده بهداشت و درمان آنان را باز کنند و تا دیر نشده به موضوع سلامت و بهداشت این عزیزان رسیدگی کنند و زخم های پنهان جسمی و روحی آنان را در شمار مجروحیت های جبهه به حساب آورده و در نحوه تعیین درصد جانبازی آنها تجدیدنظر اساسی کنند.